

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنګ راد

۲۱ سپتمبر ۲۰۱۵

دولت ها و پناهندگان!

سیاست "خیرخواهی" و "انسان دوستی" بعضاً دولت های سرمایه، به سر رسید، دیوارهای سیمی مرزها، بلندتر، عریض تر و درازتر، و همچنین نگهبانان طبقات حاکم برای جلوگیری از ورود پناهندگان، به اماکن غیر جنگی، بیشتر شده است. به بیانی روشن تر، بهره برداری های سیاسی، به منظور ورود نیروی کار تازه و ارزان، و آنها به بهانه وفاداری به "اخلاق بشری" خاتمه یافته است، بار دیگر، تدابیر امنیتی و پیگیری سیاست های آزار و اذیت مردم جنگ زده و آوارگان، به سر تیتز وظایف سرمایه داران تبدیل گردیده است. طبیعتاً و بدرست، عزیمت هزاران انسان، از محیط و کاشانه خود، موجب موج عظیمی از عکس العمل ها، در اقصا نقاط دنیا گردیده است؛ آوارگان و انسان هائی که به دلائل سیاست های امروزی به اصطلاح نودوستان، بار توهین، خواری، و هم چنین مرگ را به دوش - کشیده و - می کشند، تا در آینده ای نامعلوم، کمی آسوده تر ادامه حیات دهند.

تاکنون نوشتار، پیرامون موج بی خانمانی انسان ها در چند وقت اخیر، به خروارها رسیده است و متأسفانه و علی رغم انتشار مقالات متعدد و چاپ عکس های متفاوت، نمی توان ابعاد رنج، این دست مردم درد دیده را، به طور حقیقی و همه جانبه، ترسیم نمود. دلخراش و زجر آورست مشاهده زنان، مردان، جوانان و کودکان، در دریای طوفان زده و در پشت سیم های خاردار چند متری توأم با نگهبانان به صف شده سرمایه؛ زنان، مردان و کودکانی که تاوان سیاست های امپریالیستی را بازپس می دهند، تلف و آواره می شوند، تا طبقه سرمایه داری، "نظم تازه و نو"ش را پی گیرد. به زعم سرمایه قرار - نبوده - نیست، تا میداین جنگ های انتخابی شان، خالی از حضور مردم شود؛ قرار هم نیست تا بخش عظیمی از آنان، بار سفر به بندند، مانع عملی و اجرائی نمودن سیاست های شان گردند. طویل و دراز نمودن جنگ، رونق بخشیدن به اقتصاد فرتوت و گندیده، نیاز به نیروی انسانی و هم چنین نیاز به گرفتن پز و قیافه "انسان دوستی" دارد.

در هر صورت مزایای تلف شدن و همچنین سوءاستفاده مردم، برای سرمایه داران بین المللی دو گانه، سه گانه و چند گانه است و دولت های منتصب آنان، می باید، سیاست های شان را با نیازهای کوتاه و درازمدت طبقه سرمایه داری منطبق نمایند. به طور نمونه اجازه ورود هزاران پناهنده به المان توسط دولت مرکل، که این روزها و بنادرست و بناحق، به "ناجی" آوارگان تبدیل گردیده است، حکایت از سیاست دیگری می کند. در همین رابطه و چندی پیش، رئیس فدراسیون صنعتی المان «اولریش گریلو» گفته بود که: "خواهان ۸۰۰۰۰۰ کارگر خارجی بیشتر در المان است" و ادامه داد "فراریانی که به المان می آیند هر چه زودتر به عرصه کار فرستاده شوند و باید به آنها آموزش دهیم و باید در موختن زبان آنها را به پیش برانیم، در حال حاضر ده ها هزار محل اشتغال خالی است". متعاقباً و در تداوم چنین

سیاست سودجویانه ای «گر هارد شرودر» صدراعظم پیشین المان، خواستار تغییر سیاست المان در برابر مهاجرانی شد که قصد دارند از جنوب اروپا به المان بیایند" وی در مقاله ای نوشته است که: "تا ۱۵ سال دیگر اقتصاد المان با کمبود ۶ میلیون نیروی کار روبه رو خواهد شد. بخشی از این نیاز را می توان احتمالاً از جنوب اروپا تأمین کرد که هم اکنون ده ها هزار نفر از ساکنان آن به اتحادیه اروپا فرار می کنند، چون در وطن خویش آینده ای برای خود نمی بینند، باید با اجرای یک برنامه آموزشی به آنها مهارت هائی آموزش داده شود که واقعاً برای بازار کار المان مناسب باشند، آنوقت اجازه دارند به المان بیایند".

طرح موضوعات فوق، روشنگر و چکیده سیاست "خیرخواهی" و "انساندوستی" سرمایه دارانی ست که این روزها تن خود را آراسته به ناجیان مردم جنگ زده و بی خانمان نموده اند، "خیرخواهان" و "انساندوستان"ی که به عنوان عاملان اصلی به فلاکت کشاندن میلیون ها انسان دردمند به حساب آمده و هدفی جز، سوءاستفاده از نیروی کار ارزان به نفع طبقه سرمایه داری ندارند؛ "ناجیانی" که چشم داشت های سیاسی، اقتصادی و انسانی از مصیبت زدگان و قربانیان جنگ های امپریالیستی داشته و در پس کلهشان، خدمت به ساختن آینده ای بهتر برای اقتصاد گنبدیدهشان می باشد. در پرتو چنین عاقبت اندیشی هائی ست که دولت های استعمارگر و عناصر فاسدی همچون مرکل، "قهرمانانه" به میدان آمده اند و به عنوان "ناجیان" هزاران پناهنده رانده شده از خانه و کاشانهشان تبدیل گردیده اند؛ مرکلی که همین چند وقت قبل، اشک دختر بچه فلسطینی را در آورده است و پیرامون سؤال وی مبنی بر این که "مانند هر کس دیگری هدفی دارد و می خواهد مانند دیگران درس بخواند، اما این آزار دهنده است که شما شاهد آن باشید که دیگران چگونه از زندگی لذت می برند و من خود نمی توانم"، وقیحانه پاسخ می دهد: "باید بدانید که هزاران هزار پناهجوی فلسطینی در اردوگاه های پناهجویان در لبنان به سر می برند و اگر ما به آنها بگوئیم که شما می توانید به اینجا (المان) بیایید، دیگر نمی توانیم چیزی را مدیریت کنیم".

آری، در منطق مرکل، مدیریت و اداره جامعه، یعنی، منع کودک ۱۴ ساله از رفتن به سر کلاس، و روانه مجدد وی به میادین جنگ و ویرانی و کشت و کشتار؛ یعنی پیگیری سیاست های امپریالیستی و گوشت دم توپ قرار دادن مردان، زنان، کودکان، جوانان و هزاران فلسطینی و دیگر کودکان منطقه خاورمیانه؛ یعنی شعله ورتن نمودن جنگ های ارتجاعی و آنها تحت عنوان برقراری "دمکراسی"، "آزادی" و "امنیت فردی".

براستی که با کدامین منطق و داستان می توان، استدلال و پاسخ غیر انسانی مرکل، به دختر ۱۴ ساله فلسطینی را، رفع و رجوع نمود و از استنباطات بنادرست جلوگیری به عمل آورد؟ با کدامین منطق و استدلال می توان چنین "مدیریتی" را در خدمت به روان شدن بهتر زندگی کودکان و شکوفائی جوامع بشری توضیح داد؟

در این میان چندین موضوع بسیار آشکار و روشن می باشد و آن این که، نیات و سیاست های رو شده تاکنونی امپریالیست ها، پیرامون راست و ریز نمودن زندگی فلاکت بار میلیون ها انسان، در تخالف با ظاهرسازی ها و ادعاهای شان قرار دارد. به ویژه و در این دو سه دهه اخیر، بسیار آشکار و عیان شده است، که دولت هائی همچون المان، با حمایت و با مسلح نمودن بیشتر دولت های هار و وابسته منطقه و همچنین تقویت همه جانبه دسته جات غیر دولتی و ارتجاعی، زندگی را بر مردم منطقه، تنگ و تاریک نموده اند و در ردیف عاملان و مسببان اصلی حقایق تلخ کنونی قرار دارند؛ روشن شده است که سیاست های شان، در خدمت به آینده بهتر سازندگان اصلی جوامع بشری و همچنین برقراری امنیت و آسایش کارگران و زحمت کشان و کودکان - نبوده و - نیست؛ روشن شده است که دو تضاد منافع کاملاً متضاد از هم، در این دنیای سراسر ظلم و تباهی، در مقابل هم قرار گرفته اند که یک سر آن، به قدرت مداران بین المللی و جنایت پیشه ای همچون، المان، امریکا، فرانسه، انگلستان و دیگر وابستگان منطقه ئی شان وصل است و سر دیگر آن را، میلیون ها توده دردمند و مصیبت زده، تشکیل می دهند؛ همچنین و تاکنون روشن شده است که

همه دولت های بزرگ و - آنها - در نقشه ای سازمان یافته، دنیا را به آشوب کشانده اند و میلیون ها انسان را لت و پار و میلیون ها تن دیگر را آواره نموده اند، تا نظم و ترتیب نظام های سرمایه داری بردوام بماند. فروش میلیاردها دلار، ابزار و آلات جنگی و تسلیحات نظامی مدرن به دولت های منطقه توسط امریکا، روسیه انگلستان، فرانسه و المان، مبین این واقعیات است که دولت هائی همچون دولت مرکل، تحت هیچ شرایطی، حامی و دوستدار مردم - نبوده - و نیستند و همواره و همواره، در فکر و در پی سوءاستفاده های سیاسی، اقتصادی و انسانی از اوضاع دست سازشان از مردم منطقه خاورمیانه و دیگر مناطق دنیا می باشند.

در حقیقت و به بیانی صریح تر باید اعلام نمود که راه اندازی جنگ های ارتجاعی و به تبع از آن، اجازه ورود بعضاً آوارگان، به جامعه خودی، دو روی یک سکه اند و در این میان کمترین کمک روحی و زیستی بنیادی، به میلیون ها انسان مصیبت زده نخواهد کرد. به این دلیل که، نه راه اندازی چنین جنگ هائی، خواست و انتخاب مردم بوده - و می باشد - و نه ترک خانه و کاشانه، از زمره اولویت های آنان را تشکیل می داد. وقیحانه و بیشرمانانه خانه های مردم را به ویرانه تبدیل نموده اند و از کار، بیکارشان کرده اند و به دنباله آن، پارس می کنند که آوارگان و مردم، "غارتگر و به دنبال زندگی بهتر" اند!! انکار و شک و تردیدی نیست که همه رانده شدگان از موطن خودی، دارای سقف و سر پناه بودند و کار و باری داشتند و امروزه و به دلیل، ددمنشی های عده ای دجال و چپاولگر، مجبور به ترک وطن شان گردیده اند و به سمت مرزها سرازیر شده اند. به طور قطع، یکی از علل اصلی مصیبت های کنونی مردم، در جنگ های سازماندهی شده از جانب قدرت مداران بین المللی همچون دولت المان می باشد. جنگ هائی که آغازگر و تداوم دهنده آنها، طرف ها و نمایندگان بی قید و شرط دولت های امپریالیستی اند.

از یک سو جنگ برای سرمایه داران در شرایط کنونی نعمت است و از سوی دیگر و متأسفانه، ثمره و اثرات مخرب آن را می توان در زندگی مردم و جامعه، به عینه مشاهده نمود. عراق به ویرانه تبدیل شده است؛ افغانستان فاقد امنیت اولیه می باشد؛ در لیبیا بیش از ۷۰۰ دسته و گروه مسلح و مرتجع وجود دارد؛ نگاه به شهرهای سوریه، یادآور خرابی های دو جنگ جهانی است؛ ترکیه بوی جنگ های قومی - مذهبی می دهد و خلاصه چرخش زندگی، نیم بند مردم در اقصا دنیا، از حالت نرمال و طبیعی خود افتاده است و روز به روز، ناهنجاری ها، بی ثباتی ها و تنش ها بالا و بالاتر می گیرد. محدودیت های زندگی ناپیوسته و مردم، معترض از چنین وضعیت ناامن اند. آری، این اوضاعی است که به میلیون ها انسان محروم تحمیل نموده اند و در این میان کسی پاسخگو نیست.

میلیون ها دالر و یورو، صرف دیوارهای سیمی و آنها به طول ۱۷۵ کیلومتر از مجارستان تا صربستان نموده اند تا مانع، ورود کودکان به میادین امن تر گردند، متأسفانه شنیدن مصاحبه ها از والدین کودکان و همچنین مشاهده تصاویر زندگی هزاران انسان و آنها در محیط های فاقد پائین ترین امکانات و در بیابان ها، نمودار چهره درونی و حقیقی دولت های اروپائی است. به روی بی دفاع ترین انسان ها، گاز اشک آور پرتاب می کنند، تا مناسبات از کار افتاده شان، متحمل صدمات جدی تر نگردد. کدام فرد و انسانی، می تواند چنین صحنه های دردناکی را مشاهده کند و تف و لعنت، بر سر و بر روی مسببان آوارگی میلیونی توده ها نیندازد؟ کدام انسانی می تواند حمایت بیدریغ و توپ و به گلوله بستن مردم توسط سلاح های جنگی قدرت مداران بین المللی همچون امریکا، انگلیس، فرانسه و المان را مشاهده کند و در همان حال، آنان را در ردیف و در لیست بشردوستان و همراهان مردم قرار دهد؟ این دولت ها و عناصر وابسته به آنان، دولت ها و عناصر ریاکار، دروغگو و سودجو هستند و وجود ثانیه ای آنان، مترادف با تلف شدن هزاران انسان دیگر می باشد. علاج کار در نابودی جنگ های ارتجاعی، و چاره کار در سرنگونی تمامی دولت های سرمایه داری و دیگر ایادی شان و آنها با هدایت سازمان مسلح و با برنامه کمونیستی است. تا مادامی که دولت مردان کنونی و آنها با هر شکل و شمایل و با هر پز و قیافه ای بر سر کار اند، نه تنها زندگی مردم رو به بهبودی نخواهد رفت، بلکه، بر میزان

و بر تعداد آوارگان و رانده شدگان، افزوده تر خواهد گردید. بنابراین افشای جنایات دولت های حامی سرمایه و همچنین به تصویر کشیدن چهره حقیقی عناصر فاسد و دغل بازی همچون مرکل و دیگر دولت مردان، از زمره وظایفی است که در برابر هر انسان مدافع آزادی و رهایی توده ها از زیر یوغ نظام های افسار گسیخته سرمایه، قرار گرفته است. نباید همراه و به مانند بعضاً عناصر ناآگاه، فریب ظاهرسازی های حاکمان کنونی - همچون مرکل - را خورد و آنان را در ردیف دوستداران و ناجیان مردم قرار داد. خلاصه، برگرداندن موضوعات اصلی به حاشیه، به معنای به کج راه بردن سمت اصلی روشنگری و هدف های مبارزاتی است. جای دارد تا عاملان و حلقه های اصلی نابسامانی های امروزی را بدرست معرفی نمود و مانع هر گونه جابه جایی های بنادرست و انحرافی، در اذهان عمومی گردید.

۱۹ سپتمبر ۲۰۱۵

۲۸ شهریور [سنبله] ۱۳۹۴